دانش
چرا آمریکا به تکامل باور ندارد . . . ۲۸

دانش
محاسبات تقویمی و دشواری‌های آن ۲۸

خانه
طعم‌های تابستانی را حفظ کنیم . . ۲۹

جامعه
یک قاچ هندوانه برای خانواده‌های تهرانی ۳۰

طرح: فیروزه مظفری، شرق

مواد مخدر سال گذشته ۵هزار و ۵۰۰معتاد را به کام مرگ کشاند

تهدیدی جدی برای امنیت اجتماعی

بهنام پاکزاد

براساس آخرین آمار در سال ۱۳۸۴ حدود ۵ هزار و ۵۰۰ معتاد در کشور جان خود را بر اثر مصرف مواد مخدر از دست داده‌اند. این در حالی است که در سال ۸۳ نیز نزدیک به ۴ هزار و ۵۰۰ نفر به همین علت جان باخته‌اند.

از سوی دیگر رئیس اداره آموزش همگانی مرکز مبارزه با مواد مخدر نیروی انتظامی چندی پیش اعلام کرده بود هروئین که به عنوان مخرب‌ترین ماده مخدر در جهان شناخته شده است طی سال ۸۴ جان حدود ۴ هزار نفر ایرانی را گرفته است. افزایش سرسام‌آور مصرف مواد مخدر در جهان و قاچاق روزافزون این مواد پیامدهای وحشتناکی خواهد داشت که مستقیماً نسل جوان و بشریت را تهدید می‌کند. گسترش شبکه قاچاق بین‌المللی و دام اعتیاد میلیون‌ها نفر نوجوان را به فساد و کام مرگ می‌کشاند و سوداگران مرگ را به ثروت و قدرت می‌رساند. اعتیاد یک مسئله بزرگ بهداشتی و بلایی اجتماعی است و دارای جنبه‌های متعدد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، روانی، اخلاقی و حقوقی است. از این رو آگاهی خانواده‌ها درباره سرانجام آن در پیشگیری و مهار آن موثر است. رئیس سابق مرکز مبارزه با مواد مخدر نیروی انتظامی در این باره معتقد است اساساً معضل مواد مخدر، چه در کشور ما و چه در سایر کشورهای جهان وجود دارد. این معضل شامل دو بعد قاچاق مواد مخدر و اعتیاد است که به عنوان یک تهدید جدی برای امنیت اجتماعی مطرح است.

سردار ابویی ادامه می‌دهد: بالطبع هر کشوری که بیشتر در موضوع قاچاق و اعتیاد مواد مخدر قرار بگیرد خسارت‌های بیشتری می‌بیند. معضل مواد مخدر نه تنها امنیت اجتماعی را با مشکل مواجه می‌کند بلکه مشکلات دیگری از جمله فرهنگی، اقتصادی و . . . را رقم می‌زند. به گفته وی جرایم بسیاری ریشه در قاچاق مواد مخدر و اعتیاد دارند که به عنوان مثال می‌توان به درگیری‌های مسلحانه، سرقت مسلحانه، قتل و طلاق اشاره کرد که خود بحث طلاق منجر به فروپاشی خانواده‌ها و رها شدن فرزندان در جامعه می‌شود و این خود معضلی بزرگ است. این کارشناس می‌افزاید: ایران به واسطه موقعیت حساس جغرافیایی خود بیشتر در معرض خطر مواد مخدر قرار دارد زیرا همسایه با دو کشور فعال افغانستان و پاکستان در زمینه مواد مخدر است. به طوری که دو هزار کیلومتر مرز با این دو کشور دارد. افغانستان از لحاظ تولید مواد مخدر از مراکز اصلی دنیا است که ۸۰ درصد تریاک، هروئین و مرفین دنیا را تامین می‌کند. پاکستان هم به عنوان یکی از مراکز اصلی حضور گروه‌های مافیای قاچاق مواد مخدر نام گرفته است.

ابویی می‌گوید: طبیعی است قرار گرفتن استان‌های تولید و نگهداری مواد مخدر در افغانستان و همچنین استان‌هایی که گروه‌های مافیایی پاکستان در آن حضور دارند در نزدیکی مرز ایران بیشترین تهدیدها را متوجه کشور ما کند.

مشاور فرماندهی ناجا درباره مسیر بالکان می‌گوید: شرایط جغرافیایی ایران به گونه‌ای است که در مسیر ترانزیت قاچاق مواد مخدر قرار گرفته است. این مسیر که به عنوان اصلی‌ترین مسیر ترانزیت شناخته شده به مسیر بالکان معروف است.

وی با اشاره به اینکه بیشتر قاچاق مواد مخدر افغانستان به اروپا است، ادامه می‌دهد: همچنین بیشترین سودی که نصیب گروه‌های مافیایی و کشور افغانستان می‌شود از راه ترانزیت مواد به کشورهای اروپایی حاصل می‌شود. به این ترتیب می‌توان گفت مدیریت قاچاق مواد مخدر افغانستان و پاکستان در دست اروپایی‌ها است.

این کارشناس انتظامی عملیات‌های نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در زمینه مواد مخدر را منوط به کنترل آسیب‌های ناشی از این معضل می‌داند و می‌گوید: تلاشی که نیروی انتظامی انجام می‌دهد یک اقدام کنترل‌کننده است و این موضوع که ما بخواهیم به سوی کاهش این معضل برویم نیاز به یک اراده جهانی دارد. زیرا این موضوع در اختیار ما نیست. در مرحله اول دولت‌های افغانستان و پاکستان هستند که باید در زمینه کاهش و کنترل تولید و قاچاق مواد مخدر فعالیت کنند. سپس دیگر کشورهایی که مواد مخدر آنها از سوی این دو کشور آسیایی تامین می‌شود باید اقدامات خود را انجام دهند.

ابویی در حالی این اظهارات را بیان می‌کند که هفته گذشته پروژه توسعه همکاری منطقه‌ای برای مبارزه با مواد مخدر بین دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر ایران و رئیس دفتر مقابله با جرم و مواد مخدر سازمان ملل متحد (UNODC) در تهران به امضا رسید. براساس این پروژه راهبردهای موثر به منظور گسترش همکاری‌های منطقه‌ای طراحی می‌شود. این پروژه ملاقات‌ها، سمینارها و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای بین ایران، افغانستان، پاکستان، کشورهای حوزه خلیج فارس، قفقاز و آسیای میانه را نیز ساماندهی خواهد کرد. این پروژه اجرایی کردن مفاد تفاهم‌نامه‌های منطقه‌ای برای مبارزه با مواد مخدر را میسر و چارچوب همکاری‌های منطقه‌ای در این زمینه را نیز تعیین خواهد کرد.

سردار ابویی معتقد است طی سال‌های گذشته نیروی انتظامی در زمینه کنترل و جلوگیری از گسترش قاچاق مواد مخدر موفق عمل کرده است. وی ادامه می‌دهد مهم‌ترین نکته‌ای که در بحث اعتیاد به مواد مخدر باید مورد توجه قرار گیرد موضوع پیشگیری است. لذا دستگاه‌های مسئول باید به گونه‌ای عمل کنند که افراد سالم جامعه به سمت مواد مخدر نروند و میزان گرایش آنان به مواد مخدر به صفر برسد. ساماندهی افراد درگیر با اعتیاد و جامعه آماری معتادان نیز از دیگر موارد مهم در بحث اعتیاد است.

به گفته مشاور فرماندهی ناجا در بحث اعتیاد حربه انتظامی موثر نیست و تنها راهکارهای پیشگیری و درمان نقش بسزایی ایفا می‌کنند. وی می‌افزاید: کشور ما در بحث پیشگیری و درمان همیشه با مشکل مواجه بوده است. اقدامات خوب و مناسبی در این زمینه‌ها صورت گرفته اما با توجه به گستره اعتیاد در کشور این اقدامات جوابگو نیست.

این کارشناس اقدامات چندساله اخیر نیروی انتظامی را موفق ارزیابی می‌کند و می‌گوید: «بالا بردن هزینه و سختگیری در دسترسی مواد به معتادان از جمله کارهایی بوده که به کنترل قاچاق و اعتیاد کمک بسزایی کرده است. افزایش ناخالصی مواد مخدر یکی از اقداماتی بوده که در سال‌های اخیر با آن مواجه بوده‌ایم.»

وی یکی دیگر از اقدامات مفید را افزایش قیمت مواد مخدر می‌داند و می‌گوید: این اقدام مناسب سبب شده تا بسیاری از معتادان به خاطر عدم تامین مواد در جهت ترک آن تلاش کنند. به طوری که زمینه‌های ترک اعتیاد در کشور ما فراهم است و چند وقتی هم افزایش گرایش معتادان به ترک را شاهد بوده‌ایم.

■ **اعتیاد چیست و معتاد کیست**

اعتیاد عبارت است از وابستگی به عوامل یا موادی که تکرار مصرف آنها با کم و کیف مشخص و در زمان معین از دیدگاه معتاد ضروری است یعنی تداوم بخشیدن به مصرف مواد و عوامل مخدر درمانی عامیانه، غیرمعمول و دور از موازین علمی و معتاد کسی است که نیازمند و وابسته روانی- جسمانی به مواد و عوامل مخدر و عادت‌زا است که به منظور برآوردن آن بایستی از این مواد به طور متداوم و در فواصل مشخص استفاده کند.

اعتیاد با وابستگی جسمانی و روانی همراه است. بعضی داروها نیز ممکن است با ایجاد وابستگی روانی در بیمار موجب افزایش مصرف شوند و اعتیاد بدهند. فرد معتاد با دریافت مواد اعتیادآور سرخوش و راضی می‌شود و با توقف مصرف دارو دچار خماری و اختلال شدید جسمانی می‌شود. مواد اعتیادآور سبب پیدایش پدیده تحمل نیز می‌شوند. به موجب این پدیده فرد معتاد برای دسترسی به اثر اولیه این مواد که در ابتدا با مقدار کم حاصل می‌شود مصرف خود را افزایش می‌دهد. شدت و نوع وابستگی نسبت به مواد اعتیادآور بر حسب نوع و اثر آن متفاوت است.

اما ویژگی‌های افراد معتاد چیست. این افراد معمولاً از خود و یا از محیط خود و یا هر دو احساس ناخشنودی، نارضایتی و ناراحتی دارند و در چنین حالت نامطلوبی ناگزیر از مصاحبت با افرادی که برخلاف آنها دنیا را محل مناسبی برای زیستن یافته‌اند خودداری می‌کنند. معتادان در توهمات خود یک دنیای صناعی نسبتاً رضایت‌بخش برای خود متصورند که نه تنها بر هیچ گونه تغییری یا در خود و یا در محیط مبتنی نیست بلکه دنیای خیالی آنان تنها براساس حضور مواد در بدنشان و نیاز به آن و رفع آن نیاز استوار است. به هر حال اعتیاد یک پدیده مخرب اجتماعی است. زیرا اثرات نامطلوب و عواقب وخیم آن تنها دامنگیر شخص معتاد نمی‌شود بلکه همه افرادی را که به گونه‌ای با آنان وابستگی یا ارتباط نزدیک دارند فرامی گیرد مخصوصاً که فرد معتاد مسئول اداره یک خانواده و در نقش هم‌پایه نیز باشد.

اما روانشناسان نیز بر این عقیده هستند که اعتیاد به مواد مخدر به گونه‌ای غیرمستقیم واکنش و پاسخی است مخرب در مقابل کنش‌های غیرقابل تحمل بیرونی و درونی که به این وسیله فرد سعی می‌کند آلام و مشکلات خود مانند اضطراب، افسردگی و محرومیت‌ها را کاهش داده و یا تسکین بخشد که در واقع انتخاب شیوه‌ای است ناسالم به منظور فرار از واقعیت‌های موجود. یکی دیگر از موارد قابل ذکر روی آوردن بسیاری از افراد دچار افسردگی به سمت مواد مخدر و اعتیاد است. بسیاری از افراد افسرده به طرف مواد مخدر گرایش می‌یابند. اینها افرادی هستند که از روبه‌رو شدن با واقعیات عاجزند و به علت احساس عدم کفایت زندگی خود را از واقعیت جدا کرده و آن را بر اوهام و رویا بنا می‌کنند. این افراد باید بدانند که افسردگی با اعتیاد درمان‌پذیر نیست.

■ **مواد خطرناک**

به گزارش پلیس سرهنگ علی سماواتی رئیس اداره آموزش همگانی مرکز مبارزه با مواد مخدر ناجا می‌گوید: مواد مخدر به پنج دسته سستی‌زا، محرک‌های توان‌افزا، توهم‌زا و آرام‌بخش‌ها تقسیم می‌شوند. که محرک‌های توان‌افزا خود شامل دو دسته طبیعی و مصنوعی است. محرک‌های توان‌افزای طبیعی شامل کوکا و کراک است که کوکا از مشتقات گیاه کوکا و کراک از ترکیب جوش شیرین و کوکائین به‌دست می‌آید. به گفته این کارشناس کراک هم‌اکنون در ایران به‌خصوص در بین جوانان مصرف بالایی دارد. وی با تاکید بر اینکه کراکی که در ایران مصرف می‌شود خطرناک‌تر از کراکی است که در اروپا مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌افزاید: کراک مصرفی در ایران نوع سوم هروئین است و در دسته سستی‌زاها قرار می‌گیرد نه توان‌افزاها، بنابراین تاثیرات آن بر روی کورتکس مغز و وابستگی به آن نیز بیشتر است.

■ **آمار یک‌ماهه تهران بزرگ**

از نظر امنیتی نیز اعتیاد یکی از مولفه‌های اصلی ناامنی در کشور است و بسیاری از بزهکاری‌ها ریشه در اعتیاد دارند. معاون مبارزه با مواد مخدر فرماندهی انتظامی تهران بزرگ نیز با تایید این موضوع می‌گوید: کنترل مواد مخدر و اعتیاد نقش بسیار موثری در بهبود اوضاع اجتماعی، اقتصادی و امنیتی خواهد داشت. سرهنگ کشفی در ادامه به آمار کشفیات مواد مخدر و دستگیری‌های یک‌ماهه گذشته تهران می‌پردازد و می‌گوید: طی مردادماه ماموران مبارزه با مواد مخدر تهران بزرگ موفق به کشف ۹۱۸ کیلو و ۱۷۵ گرم انواع مواد مخدر شدند.

وی می‌افزاید: در این زمینه تعداد شش هزار و ۲۵ نفر دستگیر شدند که از این تعداد یک هزار و ۶۶۷ نفر معتاد و مابقی توزیع‌کننده مواد مخدر بودند.

■ **۳۰ تا ۴۰ساله‌ها بیشترین فراوانی دستگیری‌ها**

کشفی در ادامه می‌گوید: افراد رده سنی ۳۰ تا ۴۰ سال ۲۸ درصد دستگیری‌های مردادماه را تشکیل می‌دهند. گروه سنی ۲۰ تا ۲۵ سال هم با ۲۳/۵ درصد رده بعدی را به خود اختصاص داده‌اند. گروه سنی ۲۵ تا ۳۰ سال با ۲۲ درصد، گروه سنی ۴۰ تا ۴۵ سال با ۱۳/۵ درصد و گروه سنی ۱۵ تا ۲۰ سال با ۷/۵ درصد نیز در رده‌های بعدی قرار دارند. به گفته معاون مبارزه با مواد مخدر فرماندهی انتظامی تهران بزرگ ۳۹ درصد دستگیرشدگان مردادماه بی‌سواد، ۱۷ درصد با مدرک سیکل، ۱۱/۵ درصد با مدرک پایان دوران ابتدایی، ۸/۵ درصد با مدرک راهنمایی، ۴ درصد با مدرک دیپلم و ۱/۵ درصد با مدرک فوق دیپلم و ۱ درصد دستگیرشدگان دارای مدرک لیسانس بوده‌اند.

با نگاهی به این آمار می‌توان گفت که افراد تحصیلکرده گرایش کمتری به سوی مواد مخدر و اعتیاد دارند. پس هرچه فرهنگ‌سازی و آگاه‌سازی بیشتر صورت گیرد کاهش گرایش افراد به سوی مواد مخدر را شاهد خواهیم بود.

مواد مخدر، چالش‌ها و پیامدها

رضا صالحی پژوه: مواد مخدر همیشه مقوله‌ای بوده که توجه صاحب‌نظران، اندیشمندان، دولتمردان، هنرمندان و . . . را به خود معطوف داشته و هرکس به فراخور حال خود درصدد ایجاد فکر، راهکار و یا اثری خلاق به منظور مبارزه با این بلای خانمانسوز است.

مسئولین قوه قضائیه با توجه به بند ۵ اصل ۵۶ قانون اساسی که اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین را از وظایف این قوه می‌داند سعی در پاک کردن معضل مواد مخدر اعم از اعتیاد، حمل‌ونقل و قاچاق دارد که هر کدام در قانون دارای سرفصلی مجزا است. اما از نظر اجتماعی نیز نقش ویرانگر و خانمانسوز پدیده زشت «اعتیاد» به‌عنوان سرمنشاء بسیاری از آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی باعث به وجود آمدن فصول زرد و پاییز دیگری در زندگی بشر از جمله طلاق، کودکان فقر، کودکان و زنان خیابانی، سرقت و همچنین مشکلات بهداشتی مانند ایدز، هپاتیت و . . . شده است.

اما در اینجا نحوه برخورد قانون و مجریان قانون با معضل اعتیاد که سرمنشاء تمامی جرایم موادمخدر از جمله خرید و فروش، حمل‌ونقل و . . . است برخوردی تناقض‌آمیز بوده است. به طوری که هنوز بین مجریان قانون کشور وحدت رویه‌ای ایجاد نشده است که آیا معتاد بیمار است یا مجرم؟ اما در این راستا هم قانون و هم دین مبین اسلام صراحت داشته به طوری که می‌توان با استناد به مستندات دینی اعتیاد را نوعی انداختن خویش به دام و فراهم آوردن اسباب هلاکت خویش دانست و می‌توان گفت تحمیل هزینه اقتصادی سنگین و کمرشکن بر خود و جامعه در جهت تهیه موادمخدر از مصادیق بارز «اکل مال بالباطل» دانست.

جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان با بررسی علل اعتیاد معتقدند که روی آوردن افراد به استعمال مواد مخدر همچون پدیده‌های فردی و اجتماعی دیگر معلول عواملی متعدد است که عمده علل و عوامل آن عبارت است از: ۱- مشکلات روحی و روانی، ۲- فقر و مشکلات اقتصادی، ۳- بیکاری، ۴- ضعف اراده، ۵- جهل و ناآگاهی با مواد تخدیرکننده، ۶- معاشرت و رفاقت با افراد ناباب، ۷- محیط آلوده (اعم از خانه، محله، مدرسه)، ۸- حس کنجکاوی بعضی افراد (علی‌الخصوص نوجوانان و جوانان)، ۹- تقلید از بزرگ‌ترها و ۱۰- تظاهر به خودنمایی.

اما با مطرح شدن اعتیاد باید گفت اعتیاد از ریشه عود یعنی بازگشت گرفته شده است. حال این بازگشت می‌تواند بازگشت به یک رفتار خوب باشد یا بالعکس اما آنچه که از اعتیاد در ذهن جامعه حک شده بازگشت به مواد افیونی است. حال اعتیاد فردی از نقاط بسیار کوچک شروع می‌شود و به عبارتی می‌توان گفت اعتیاد همیشه از نقطه صفر شروع می‌شود ولی در بعضی از افراد به نقطه صد که همان مرگ‌های کنار خیابانی است می‌رسد و در بعضی نیز کمتر.

البته اعتیاد به مواد مخدر عوارضی نیز دارد که مهم‌ترین آنها عوارض جسمانی است. کسی که به یکی از مواد افیونی معتاد است اگر مصرف روزانه‌اش متوقف شود یا از ۱۰ تا دوازده ساعت تجاوز کند به عوارض جسمی چون ناراحتی‌های عصبی، اضطراب، عطسه کردن و ریزش مکرر آب از بینی و چشم‌ها، ناراحتی‌های شدید عضلانی و فشار شدید در ستون فقرات، دل‌درد و دل‌پیچه، بی‌اشتهایی، لاغر شدن و . . . مبتلا می‌شود.

البته روی آوردن فرد به اعتیاد علل و عوامل دیگری نیز دارد از جمله الف- علل خانوادگی ب- علل اجتماعی ج- علل اقتصادی د- علل سیاسی هـ- علل فرهنگی و . . . اما قانونگذار در کشور ایران با توجه به جهان‌شمول بودن معضل مواد مخدر علاوه بر قانون مبارزه با مواد مخدر با امضای پروتکل هایی با بعضی از کشورها و با توجه به گلوگاه بودن کشور ایران و موقعیت مناسب حمل موادمخدر از طریق آن از کشورهای افغانستان و پاکستان به اروپا و مافیای مواد مخدر سعی در جلوگیری از عبور این مواد افیونی از کشور ایران کرده است و به همین منظور نیز دفتری به عنوان «UNDCP» به نمایندگی از برنامه بین‌المللی کنترل موادمخدر سازمان ملل در تهران فعال گردیده است و همچنین طبق ماده شش دستورالعمل نحوه ارتباط و هماهنگی با دفتر UNDCP مصوب ۱۳۷۸/۳/۱۴ ستاد مبارزه با مواد مخدر کلیه طرح‌های ارسالی که به منظور مقابله با ورود و عرضه مواد مخدر توسط ارگان‌های مختلف فرهنگی و انتظامی امنیتی تهیه گردیده است در کمیسیونی ویژه که در محل دبیرخانه ستاد مبارزه با موادمخدر تشکیل می‌شود با اولویت‌های برنامه سالیانه ستاد با هماهنگی و از طریق وزارت امور خارجه به دفتر UNDCP ارائه خواهد شد.

آنچه که در این ماده از دستورالعمل حائز اهمیت است این است که تصویب‌کنندگان دستورالعمل مذکور با هم‌اندیشی و رسیدن به نقطه‌نظرهای مشترک بر این باورند که ایران به منظور قرار گرفتن در موقعیتی مناسب جهت انتقال کم‌هزینه و کم‌خطر مواد مخدر به اروپا بهترین گزینه قاچاقچیان و سوداگران مرگ است که در این بین نیز مقداری از مواد مذکور یا ریزش داشته و یا مستقیماً به قصد کشورمان وارد می‌شود که این موضوع نیز دارای راهکارهایی است.

حال در اینجا این سئوال مطرح است که چه چیزی تخدیرکننده و یا اصلاً مواد مخدر است؟ البته تعاریف بسیاری از مواد مخدر یا تخدیرکننده‌ها شده است که علمی‌ترین آن در کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق و مواد مخدر و داروهای روانگردان در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸ به تصویب رسید و عبارتست از: الف- «گیاه شاهدانه» به معنای هرگونه گیاه از دسته شاهدانه ب- «بوته کوک» به معنای هر یک از گونه‌های دسته اریتروکسیلون ج- خشخاش به معنای گیاه پاپاورسومنیفروم هـ- مواد روانگردان به معنای هرگونه ماده طبیعی و یا ترکیبی که با استعمال آن حالت تخدیر در فرد ایجاد شود.

که مسلماً تریاک، هروئین کراک و . . . نیز از مشتقات آن هستند ولی تجربه ثابت کرده است که پیشگیری همیشه از درمان مثمرثمرتر بوده و آسیب‌های اجتماعی به رویکردی پیشگیری مدار مقدم بر درمان مدار نیازمند است. در این راستا:

- کنترل مرزها
- جلوگیری از کشت مواد مخدر
- تهیه و ارائه برنامه آموزشی از سوی نهادهای ذی‌ربط جهت به تصویر کشیدن عواقب و پیامدهای خطرناک اعتیاد و مصرف مواد مخدر
- فراهم‌سازی امکانات تفریحی لازم برای جوانان و نوجوانان و نیز مبارزه قاطع با مفاسد اقتصادی وسعی در کاهش اختلاف طبقاتی در جامعه می‌تواند در کاهش تقاضا و به تبعیت از آن کاهش عرضه موثر و مفید است.

نگاه

از ماست که بر ماست

الهام مختاری

وقتی شهروند تهرانی از خانه خارج می‌شود که به مسائل عدیده خود بپردازد و یا بعد از شش روز فعالیت و کار، یک روز از تعطیلی خود را بدون هیچ دغدغه‌ای در یکی از مکان‌های تفریحی، در داخل و یا اطراف تهران بگذراند، در وهله اول با معضل بزرگی که می‌تواند برای او، بسیار کلافه‌کننده باشد، گریبان‌گیر می‌شود؛ مشکلی که ناراحتی‌های روحی و جسمی را برای او به همراه می‌آورد و در رابطه اجتماعی‌اش نیز می‌تواند تاثیرگذار باشد. آن مشکل بزرگ چه می‌تواند باشد؟ وقتی وسیله نقلیه خود را روشن می‌کنیم که به نقطه‌ای از شهر تهران حرکت کنیم، بلافاصله با ترافیک شدید و سرسام‌آور آن مواجه می‌شویم، ترافیکی که ساعت‌ها شهروند تهرانی را در انتظار می‌گذارد تا مگر ماشین‌هایی که به شکل واگن‌های قطار به هم چسبیده‌اند، کمی حرکت کرده و او را از انتظار کسل‌کننده، بیرون آورند. جالب است که فرق نمی‌کند، شخص در چه ساعتی از روز برای انجام کار خود، از خانه خارج شود و همچنین مقصد مورد نظرش کجا است: افراد کثیری هستند که سعی می‌کنند، برای انجام کار خود در بیرون از منزل، ساعت خاصی از روز را انتخاب کنند که حداقل با ترافیک کمتری روبه‌رو شوند. اما مشاهده می‌کنند که هیچ‌گونه فرقی نمی‌کند. این مشکل بزرگ همیشه و همه جا بر سر راه او قرار دارد. در بیشتر کشورها ترافیک در ساعت خاصی از روز است. بدین‌معنا که از ساعت هشت صبح آغاز شده و حداکثر تا دو ساعت بعد ادامه می‌یابد (زمان رفتن به محل کار، مدرسه و . . .) و نیز بعدازظهر که می‌خواهند به منزل خود بازگردند مجدداً به همین شکل است. در چنین صورتی می‌دانند که برای انجام کارهای دیگر، چه ساعتی را انتخاب کنند.

اما متاسفانه در شهر تهران و حتی شهرهایی که در حومه آن قرار دارد، بدین شکل نیست. در واقع می‌توان گفت در ترافیک قرار گرفتن همانا و هیچ‌گونه راه فراری نداشتن همان. گاهی اوقات وقتی سرنشین در این موقعیت قرار می‌گیرد، لحظه‌ای با خود می‌اندیشد؛ اگر راه دیگری را برای رسیدن به مقصد مورد نظر انتخاب کند، از این حالت نجات می‌یابد. اما بعد از حرکت خود صد برابر پشیمان و پشیمان‌تر می‌شود.

خب، واقعاً چنین وضعیتی نمی‌تواند کلافه‌کننده باشد و شخص را از رفتن به مقصد مورد نظرش پشیمان کند و کار امروز به فردا بیفتد و نیز رابطه افراد با یکدیگر را دچار مشکل و در او نوعی استرس ایجاد کند؟ از شخصی که پس از بیست سال دوری از ایران، به وطن خود بازگشته بود، شنیدم که وقتی در جاده‌ها حرکت می‌کند، هر لحظه احساس می‌کند، دچار حمله قلبی شده است. او می‌گوید هر دفعه که به منزل بازمی‌گردم، دچار سردرد عجیبی می‌شوم که مجبورم مسکن بخورم و تا جایی که ممکن است، سعی می‌کنم به هر شکلی که شده از منزل خود خارج نشوم. متاسفانه بیشتر سرمایه‌داران ما بدون آنکه در نظر گیرند وجود این ساختمان‌ها (به خصوص ساختمان‌های تجاری) نیاز به پارکینگ‌های بزرگ دارد، شروع به بالا بردن این هیولای عظیم‌الجثه در مکان‌هایی که تردد بسیار است، می‌کنند و تنها چیزی که برایشان اهمیت دارد، افزایش پس‌انداز بانکی است. مسئله دیگری که بسیار حائز اهمیت است، نبودن فرهنگ راهنمایی و رانندگی است. با وجود آن که چند سالی است از ورود این وسیله به کشور ایران می‌گذرد، اما بارها مشاهده شده که اکثر مردم از قوانین بسیار پیش پا افتاده، سرپیچی و حق و حقوق یکدیگر را به آسانی پایمال می‌کنند. این مشکل اساسی چگونه و از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ برای یافتن این معضل بزرگ، لازم است به دوران ورود یا تولید اتومبیل به کشور خود بازگردیم که آیا با ورودش، قوانین مربوطه را همراه با خود آورد؟ آیا وقتی مردم برای اولین بار از آن سود جستند، تنها به این می‌اندیشیدند که اگر بتوانند آن را روشن کنند و به حرکت درآورند، رانندگی را به طور کامل آموخته و دچار هیچ مشکلی نخواهند شد. بله، شاید در آن دوران با وجود تعداد وسایل نقلیه‌ای که موجود بود، این نوع طرز تفکر، مشکل چندانی را پدید نمی‌آورد. اما ای کاش گذشتگان اندکی نیز به راحتی و آسایش آیندگان خود می‌اندیشیدند و در نظر می‌گرفتند که همیشه چنین نخواهد ماند و به مرور زمان همه چیز تغییر خواهد کرد. افسوس که وقتی وسیله جدیدی برای آسایش و پیشبرد کار وارد بعضی از کشورها می‌شود، از آن در وهله اول برای فخر فروختن به یکدیگر استفاده می‌شود و جالب است که بعد از مدت‌ها مردم متوجه می‌شوند، برای چه از آن استفاده می‌کنند و چه فوایدی دارد و صحیح استفاده نکردن از آن، چه عواقبی را برای خود و دیگران به همراه خواهد آورد. به طور مثال افرادی هستند که برای خودنمایی، هنگام رانندگی با سرعت بالا، بدون در نظر گرفتن حد فاصل از لابه‌لای ماشین‌ها به شکل زیگزاگ رانندگی می‌کنند. این گروه از اشخاص حتی لحظه‌ای در نظر نمی‌گیرند که اگر برای یکی از ماشین‌ها که با آن فاصله چندانی ندارند، کوچکترین اتفاقی پیش آید، چه خسارت سنگین و یا حادثه جبران‌ناپذیری را می‌توانند برای خود و دیگران پدید آورند. بارها مشاهده شده که گاهی در ترافیک شدید شهر تهران بعضی از راننده‌ها تنها برای آن که پنج یا ده دقیقه زودتر به مقصد مورد نظر برسند با ضایع کردن حقوق دیگران، از خط مجاز خارج و به سختی از لابه‌لای ماشین‌های دیگر عبور کرده، تا از دو یا سه اتومبیل جلوتر بیفتند. حال اگر در این موقعیت فرد تنها به خاطر خودخواهی خود تصادفی را به وجود آورد و مدت زمان ترافیک را افزایش دهد، آیا این حرکت او، می‌تواند از طرف دیگران قابل بخشش باشد؟ به راستی چرا ما به خاطر موقعیت خود، قوانین را پایمال و حق و حقوق شهروندی را ضایع می‌کنیم؟ و چرا مملکت ما، بیشترین آمار تصادف و مرگ‌ومیر را در این زمینه دارد؟